

نمایشگاه های حاشیه ای تالاب  
زریبار؛ کمک به صنعت توربینه  
منطقه مریوان، یا مشکلی  
افزونتر؟!  
متاسفانه با وضعیتی که در پایان  
نمایشگاه و در لحظه جم آوری  
آن مشهود بود، شاهد بی نظمی،  
وجود زباله ها و اشغال و .....  
ص ۳

”ناساندنی“ ژیان و  
ژینگهی گوندی  
بالک“ ۰۰۰ به دریزایی  
میزروی، جهنگاوه و نیشمان  
پدرهور بیونه (تاریخ افسار،  
۲۹۵) و به گز داگیر که رانی  
کورستاندا  
چونهنهوه .....  
ص ۴

جنگلهای سروآباد  
در آتش می سوزد  
آتش از ساعت ۰۰:۰۰ ادفیقه صبح  
روز جمعه تا ساعت ۸ بعداز ظهر  
ادامه داشت که حدود ۵۰ هکتار از  
جنگلهای این منطقه در آتش  
سوخت که .....  
ص ۳



محمدهمد ناجی کانی سانانی

## ”زریبار“ یا زردی جار؟!



له نیوان زریبار و پاکاوه کانی خرگاکه، چهم پژاو  
و پلووسکانی شهش ناشگیر ناو (ناشگیریک): ۶۰  
لیتر ناو له چرکه یه کدا؛ به دریزایی شهش  
مانگی زستان و به هار (به به لگه میزروویه و)  
تیهاتن و نیشتنه وهی هزاران پهله ور و  
بالهندی کوچه ری به سه دان پُول، به دی کردنی  
سه دان گه رما و له سه ر چهقی چاوانه هی  
کانی او وه کانی بن ناو که، له کاتی یه خ بهندان.  
ئه مانه هیچیان خهون نه بیون. بیون و پیشینه  
بیون. تیسته چی؟ بارو و دخی زریبار تیسته  
چونه؟!

وا به هاری پر و هشت و واری سالی ۱۳۸۹  
هه تاویه. له سه ره تای سالی کشت و کالی - ۸۸  
۸۹ وه زیاتر له ۱۰۰۰ میلیمیتر به فر و باران  
باریوه؛ پله تین زور هه نه بیوار دووه؛ هیشتنا،  
به هه لم بیونی ناو له ۱۵٪ نه ده لیوه. ئه کوانی  
لرفهی پلووسکانی ۳۰ هزار میتری چوار پالووی  
شهوانه روزیکی ناوی چه می پژاو له شهش مانگ  
دا؟ کوانی ۴۰۰، نه ۳۰۰، نه ۲۰۰، چاوه  
هه لقول و باز هر قه به ست و وه کانی بنی زریبار؟  
کوانی پاک بیونه وه و لا بردنی ناو مالک و لم و  
خه شه لی سروش تی ده ره و وگهی ناوه لگاکه؟ کوانی  
کانی بیه کانی قه راخ زریبار؟ خو هه نو و که لم و  
تیگلانه کانی زریبار لی ده ناچیت، ئه کوانی  
پاشه که و تی هه لقولان و ناو ده ردانی کانیه کانی  
بنی زریبار؟ .....  
برو برو لایه رهی ۳

## غمدهایی به وسعت زریبار

با هم صحبت از زریبار است و دردهای بی  
پایانش. چقدر داد زدیم، هوار کشیدیم، اگر این  
سد بر روی زریبار بسته شود فلان و فلان اقدام  
صورت گیرد، زریبار ناید می شود. اما کو گوش  
شونا؟! ما مریوانی ها برای این گمکده که همیشه و  
در هر شرایطی، از ما پذیرایی می کند و به پای  
درد دلهای تک تک ما می نشد چکار کردیم؟ آیا  
لحظه ای حاضر شدیم به پای درد دلش بشینیم و  
گمکش کنیم؟ به باور ما نه! زیرا در حقش بسیار جفا  
کردیم و می کنیم. نی زارهایش را آتش می زنیم،  
در فصل شکار منوع ماهی، ماهیانی را با شکم پر  
از تخم شکار می کرند و ما نیز با چه اشباعی کبابش  
می کردیم، چقدر تفریح کردیم و زباله ها را  
همینطوری رها کرده یا در آب می انداختیم. و و  
و ...

با همه این اوصاف وضعیت کنونی زریبار بسیار  
تگران کننده است و به قول مدیر عامل انجمن سبز  
جیا، اگر وضع همین طوری ادامه یابد اثری از  
زریبار نخواهد بود و تنها نظاره گر با تلاقی خواهیم  
بود. پس بیاییم همه با هم اندکی از خزمایش را  
التمام بخیم و تا جایی که به ما مربوط است و در  
حد اقدامات فردی ماست گمکش کنیم؛ تا در  
مقابل نسلهای آینده و فرزندانمان شرم سار نباشیم که  
ما چقدر خود خواهانه و منفعت طلبانه با زریبار  
رفتار کردیم که اگر فرزندانمان از ما پرسیدند  
برای زریبار چکار کردیم، جوابی داشته باشیم  
و گرنه دیگر زریباری نخواهد بود تا با آغوش باز به  
غمها یمان گوش بسپارد. /

فایل شماره آینده ویژه نامه چیا:  
”نقش من در آتش سوزی جنگلهای“  
می باشد. لذا از علاوه مدنان خواهشمندیم که  
مقالات و نظرات خود را در این زمینه به  
دفتر نشریه ارسال نمایند.

## جنگلهای سروآباد در آتش می‌سوزد

آنچه که در چند روز گذشته شاهد آن بوده این و به جرات می‌توان گفت سرآغاز فاجعه زیست محیطی دیگر است آتش سوزی های وسیعی است که جنگلهای این منطقه را در بر گرفته است. در تاریخ ۱۴/۳/۸۹ آتش سوزی وسیعی در پوشش جنگلی پشت شهرستان سروآباد شروع شد آتش از ساعت ۰۰:۲۰ دقیقه صبح روز جمعه تا ساعت بعدازظهر ادامه داشت که حدود ۵۰ هکتار از جنگلهای این منطقه در آتش سوخت که خوشبختانه با کمک تیم اطفای حریق انجمن سبز چیا و مردم طبیعت دوست سروآباد این آتش مهار شد. اما متناسفانه روز بعد یعنی شنبه مورخ ۱۵/۳/۸۹ آتش دوباره شروع شد که اعضای انجمن به همراه مردم سروآباد در محل آتش سوزی حاضر شدند و نهایتاً آتش در ساعت ۱۳:۰۰ ظهر همان روز مهار شد. شایان ذکر است که اداره منابع طبیعی سروآباد و نیروی انتظامی نیز در کنترل آتش به مردم و اعضای انجمن کمک کردند. در این روز حدوداً ۲۰ هکتار جنگل در آتش سوخت. از جمله مکانهای دیگر که در چند روز گذشته در آنها آتش سوزی داشته ایم عمارتند از: در تاریخ ۱۳/۳/۸۹ پشت پادگان مریوان (گردد ره ش) بود این اولین باری نیست که ما شاهد آتش سوزی پشت پادگان هستیم اما متناسفانه پادگان با وجود در اختیار داشتن نیروی انسانی فروان چاره ای برای این موضوع نمی‌اندیشد. ۷/۳/۸۹ روزتای سرومال در تاریخ ۱۳/۳/۸۹ که به کمک مردم و اداره منابع طبیعی سروآباد کنترل شد. آتش سوزی کانی چنان در تاریخ ۱۵/۳/۸۹ نزدیکی روزتای بیله مریوان که حدود ۲۵۰۰ متر مربع از جنگلهای آن در آتش سوخت. در تاریخ ۱۲/۳/۸۹ روزتای جشنی آباد که توسط اهالی روزتا آتش مهار شد. آتش سوزی اطراف آسنوه (ناسنه وه) که از میزان خسارت آن اطلاع دقیقی در دست نیست وبا توجه به خطر میں کنترل آن تقریباً ناممکن است. آنچه مسلم است مها ر آتش سوزی و جلوگیری از فاجعه زیست محیطی عظم و اراده ای همکانی می‌طلبد.

## دوسداران طبیعت این بار خود آستین همت بالا زده و به جنگ آتش رفتند.

قبirstان دار سیران مریوان از جمله مکانهایی بود که در سال گذشته بیشتر از چندین بار دچار آتش سوزی شد. این امر تعدادی از مردم را بر آن داشت که قبل از خشک شدن علف های قبرستان چاره ای بیندیشند. در نتیجه تعدادی از دوسداران طبیعت و افراد خیر خود اقدام به جمع آوری مبلغی پول نموده و انجمن سبز چیا نیز برای این کار اعلام آمادگی نموده و اکنون در حال درود کردن گیاهان و علف های پای درختان است. لازم به ذکر است شهرداری نیز به کمک انجمن سبز چیا آمد.

## به همه و جدانهای بیدار!

به دنبال اطلاع به انجمن سبز چیا از سوی شهرداری، مبنی بر تخریب وسیع در جنگلهای اطراف روستای عصر آباد (له سراوا)، بالا فاصله اکپی از اعضای انجمن به محل تخریب رفته و با حجم وسیعی از تخریب در این منطقه روبرو شدند. این کردار زشت در تاریخ ۳/۳/۸۹ مابین روزتای له سراوا و بهشت مصطفی به وقوع پیوسته بود، فرد یا افراد سود جو و منفعت طلب درختان منطقه را بریده و آتش زده بودند و اقدام به شخم زدن آنچه نموده بودند، دوستانی نیز از اداره منابع طبیعی مریوان در محل حضور داشته و مشغول بررسی و یافتن عاملین و آمرین جنایت بودند.

انجمن سبز چیا از تمامی مردم عزیز شهر مریوان و روستاهای درخواست می‌نماید که در مقابل این غارتگران که سرمایه نسل های آینده و ملتی را به تاراج می‌برند، بی تفاوت نباشند. و با دیدن کوچکترین تخریب، هر اتفاق را به شماره تلفنها ذیل اطلاع داده و برای فرزندان خود حق حیات قابل شویم.

- انجمن سبز چیا: ۰۹۳۶۴۵۹۱۰۵

- ۰۸۷۵۳۲۵۰۹۷۲

- اداره منابع طبیعی مریوان:

۰۸۷۵۳۲۲۱۴۶۵

## آتش سوزی جنگلها آغاز شد.

با توجه به اینکه امسال از نظر ریزشها جوی سال قابل قبولی بوده و تقریباً می‌توان گفت که دو برابر سال گذشته در منطقه بارندگی داشته ایم (بیشتر از ۱۰۰۰ میلیمتر) ضمن شکر گذاری از ایزد منان اما مطلبی که دوستان طبیعت را شدیداً تگران نموده این است که ما شاهد رشد بسیار خوب گیاهان و علف ها در بیشتر مناطق کوهستانی و جنگلی بوده ایم. بر طبق روال گذشته انجمن سبز چیا چندین خبر آتش سوزی جنگلها در دو هفته گذشته دریافت نموده که یقیناً اگر تمامی مردم و مسئولین برای این فاجعه زیست محیطی همکاری ننمایند، بی گمان امسال شاهد سوختن حجم بسیار وسیعتری از جنگل ها به نسبت سال های گذشته خواهیم بود.

## برگزاری مجمع عمومی انجمن سبز چیا

مجمع عمومی سلانه، دو مین دوره انتخابات هیئت مدیره و بازرس جدید در یازدهمین سالگرد تشکیل انجمن سبز چیا برگزار گردید. این مراسم با اعلام قبلی از سوی انجمن و دعوت از اعضاء و دوستداران طبیعت بدین شرح برگزار گردید:

مراسم با قرائت قران توسط ماموستا عبدالسلام یوسفی و خیرمقدم مدیر عامد انجمن شروع شد، برنامه با گزارش عملکرد دو سال گذشته انجمن، گزارش مالی انجمن به اعضاء از سوی بازرس، سخنرانی یکی از اعضای هیئت مدیره قبلی در مورد تخریب منابع طبیعی در مریوان، گزارش کمیته نشریه، پذیرایی، گزارش کمیته اطفاء حریق، سخنرانی مهندس اقبال محمدی نماینده مریوان و سروآباد در مجلس تقدیر از اعضای هیئت مدیره قبلی از سوی اعضای انجمن ادامه یافت و در نهایت برگزاری انتخابات هیئت مدیره و بازرس انجمن سبز چیا با موفقیت به پایان رسید شایان ذکر است این مراسم با استقبال بسیار گسترده اعضاء و علاقمندان روبرو گردید. شایان ذکر است این مراسم با استقبال بسیار گسترده اعضاء و علاقمندان روبرو گردید و افراد ذیل به ترتیب حائز بیشترین آراء گردیدند:

اعضای هیئت مدیره:

۱- محمد ناجی کانی سانانی

۲- شریف باجور

۳- ایرج قادری

۴- هه تو پیکلر

۵- عدنان داستوار

۶- لقمان کهنه پوشی

۷- شیرکو رزاقی

اعضای علی بدл:

۱- بهروز داروند

۲- احمد آمانی

۳- کمال کهنه پوشی

بازرس:

دکتر مسعود مصطفی سلطانی

عضو علی بدл:

محمد صالحی

**نمایشگاه‌های حاشیه‌ای قاب‌زربیار؛ کمک  
به صنعت توریسم منطقه مریوان، یا مشکلی  
برهان اختبر!**

قرنها پیش انسان برای جستجوی غذا و کسب امکانات بهتر، از غارها بیرون آمد و حرکت را برای ادامه حیات انتخاب نمود و ناخواسته با این فکر، اولین سفر خود را رقم زد و با گذشت زمان، صنعت توریسم را پایه ریزی نمود. امروزه این صنعت یکی از بزرگترین و متنوع ترین صنایع در دنیا است، که کشورها اعم از بزرگ و کوچک، برای رشد اقتصادی و به عنوان یک منبع پردرآمد و اشتغال زا از آن بهره مند می‌گردند. زیر ساخت‌های این صنعت، از عوامل موقفيت و رشد رو به تزايد آن بوده و همواره تکامل و سودآوری هر چه بیشتر آنرا تضمین می‌نماید.

از جمله مهمترین زیر ساخت‌های این صنعت، وجود صنعت it و استفاده درست از فناوری اطلاعات است که خود یکی از مهمترین ابزارهای پیشرفت و توسعه در دنیای کنونی است.

حمل و نقل و وجود راههای ایمن جاده‌ای از دیگر زیر ساخت‌هاست که رابطه دو طرفه ای با صنعت گردشگری دارد. منطقه کردستان، از جمله مناطق ویژه آن یعنی مریوان و اورامان حتی با راههای پر مخاطره وغیر ایمنش، دارای پتانسیل و استعداد بزرگی است، که افراد عادی و غیرکارشناس در این زمینه را نیز متوجه و تحریک می‌کند و آنان را وادار به سرمایه‌گذاری در گوشه ای از این حریم خواهند کرد.

زیر ساخت‌های دیگر، اماکن اقامتی و پذیرایی برای گردشگران است، که بیست تا سی درصد از کل هزینه‌های مسافران را تشکیل می‌دهد. پس تقویت آن می‌تواند کمک بزرگی به جذب مسافر و استقرار بیشتر آنان در شهر یا کشور میزبان کند. که این خود اثری مثبت در رشد صنایع دیگر دارد.

توریسم در حین متنوع و پویا بودن، صنعت حساسی است. چون روند رو به رشد و یا افول آن می‌تواند بر فعالیت‌های سازمان‌ها و ارگان‌های داخلی نیز تاثیر به سزایی بگذارد. به عنوان مثال برگزاری نمایشگاه‌ها، همایش‌ها و کنگره‌های متنوع باعث می‌شود گردشگران به سمت کشور میزبان و یا شهر مورد نظر جذب شوند. در واقع با ورود گردشگر، به تبع برگزاری نمایشگاه، هم چرخ صنعت جهانگردی چرخیده، و اقتصاد کشور، هم باعث ایجاد شغل و خلاقیت می‌شود.....

ادامه در صفحه ۴

نه که وتن و هدلمز کردنی ئاو، له تەختینه ژیز زهوبه کانی تیزاوکه‌ری چاوگه‌کان، له تەختانی زربیاردا، له ریگه‌ی سه‌دان بیری دهشتنی مه‌ریوان، بۆ به کار هینانی شار و دی، بپستی له قولدانی ئه و کانیاوانه بپیوه.

۶- له بن نیشتن و لم تیزانی سالانه؛ له پهسا، ئاوجه‌ری زربیار کز ئه کات و قورپیکی هومووسی پن، له کاریگه‌ری تەتلەی شهپول و لەرزه‌ی ئاو و قورسانپه‌وهی، تونجاوه‌ته قوولایه کانی سه‌رانسەر پاکاو و چاوانه‌ی کانیه کان؛ که له بپی شوین دا، له گەلی میتر تیپه‌پری کردووه.

۷- پهره و تەندنه‌وهی قهوزه، گیا چنگله، گیا ئاوه بهره (فیتوپلانکتون)، ژی ئاوه بهره (زئپولانکتون) له ئاو ئاوه‌که؛ تا راده‌یه که له یه ک میتری چوار پالوودا، سی کیلوگرم هەلھاتی ئاوه‌بهره له دربزه‌ی سالدا هەیه، که ۲/۳ به رانبهر له هەلھانینی سروشتنی فراوانتره.

که وابوو تەنکاو بوبونه‌وهی ئاو؛ لیل بوبونه‌وهی بیلکترولیت، پونگ خواردنوهی داھاته رزیوه‌ی گیا و گیاندار و ئاۋىزى، خەسەوه بونی خۆراکى "Eutrophcation" (لیشاوهی خورد)، گشت گیرى زربیاری لېكەوتووته‌وه. جا به پیش ماکەی بنه‌پەتى "لۇشاتولىه"، کۆگاى پېتکەتەی زربیار، به ناچارى بهره و گۆپانیک هەنگاوى قەرەببۇو نەبوبونه‌وه ئەنیت، که لیک ترازاندنه کان، ھاوسەنگ بکاتەوه. هەر بۆیه ئاوی چاوگە کانی بىنى زربیار (ئوانەنەی له هەلەمزى چاکان دزه بکەن و دەرباز بىن)، له ریگه‌ی کون و قۆزىن و چىن و تۆی ژیز زەوینىيە کانەوه، ریچكە ئەپېكىن، بهره و كۆمەلی ئاو دەلەنی نزم و نەوپەت دوور له دەشتنی مه‌ریوان. جا لەوانەیه، زربیار، تۈوشى داتەپىن و رۆچۈن بىت و پانه چالىتكى چەن ھەزار ھېكتارى لى بکەوپەتەوه. جا ئەو کاتە له قەر دەرچۈوه کان، ئەزىزى خۆيان به گاز بگرن!!!.

## دریزه‌ی بابه‌تى "زربیار یا زرىچى جار"

..... پونگ خواردنوهی وەشت و وارىكى وەک ئىمسال له کويىدا گلى خواردووه تەوه؟ کوا بارسايى ئاو بگاتە ئاستى چاوه‌پوان کراو؟ پاشقه و وەلامى ئەم پرسىيارانه و هيترى وەها، که هيچيان به "ھە وانته" نازاتم، بەم شىوه‌ى ئام دوانووسە يە:

۱- زربیار، چالاۋىتكى ھەرە گەورەي بەرەھەمی پونگ خواردنوهی ھەلقولان و ئاو دەردانی سه‌دان چاوه‌گەی کانیاواي بن ئاوه‌کە يە کە دەرياچە لى پىك ھاتووه.

۲- پەرە و تەندنه‌وهی قهوزه، گیا چنگله، گیا ئاوه بهره (فیتوپلانکتون)، ژی ئاوه بهره (زئپولانکتون) له ئاو ئاوه‌که؛ تا راده‌یه کە له یه ک میتری چوار پالوودا، سی کیلوگرم هەلھاتی ئاوه‌بهره له دربزه‌ی سالدا هەیه، که ۲/۳ به رانبهر له هەلھانینی سروشتنی فراوانتره.

کە وابوو تەنکاو بوبونه‌وهی ئاو؛ لیل بوبونه‌وهی بیلکترولیت، پونگ خواردنوهی داھاته رزیوه‌ی گیا و گیاندار و ئاۋىزى، خەسەوه بونی خۆراکى (لە گل كەوتى ھەلقولان) کردووه تەوه. پاشە كەوتى ئاو دواي بەنداو، يە كەم جار ۲/۳۰ میتر، سالىكى تر ۱/۸۰ میتر لە سەر بارسايى رۇوبەرى سروشتنى زەرياكە، تېكىدانى دۆخى لى كەوتەوه تەوه.

۳- بەردانی ئاو لە دەررووگەی رۇبارى زربیار (پېزاو) گەلی شت وەک: ئاو مالك، لم، خەشەل، چەپەلاؤ، پۇوار، پەلاسە و قامىشە رزیوه و ... بەرەو ئاو ئاوه‌کە مل پېۋە ناوه. (كۆى ئەو شتانە تا ئىستا بىي وىسمان لە پەرە سەندىن).

۴- بە هوئى لەمپەر دانان و كۆز كردنى ئاوى زربیار، له دریزه‌ی ھەلچۈون و داچۈونى ئاو، داھىزيان و شۆردنوهی زەلکاۋ و مېرگە خاکىپىتە کانى، لىوارە کانى خاکىپىش کردووه بەرەو بن ئاوه‌کە.

۵- هەبوبونى بىي بەين و لە ويسمان

ادامه مطلب " نمایشگاه های حاشیه ای قالب زریبار....."

بسیاری از مردم کردستان، ایران و آن سوی مرزها، با نام تالاب زریبار که معمولاً آن را دریاچه زریبار خطاب می کنند، آشنا هستند. دریاچه ای که طبیعت زیبای آن، زبان زد بسیاری از آنانی است که حداقل یکبار به اتفاق خانواده، و یا به بهانه خرید و سایل مورد نیاز خود، به این شهر مرزی فراموش شده (مریوان)، آمده اند. و یا اینکه دیروزی ها آن را به دلیل دوران جنگ ایران و عراق با بمباران های مکرر و مصیبت بارش، و امروزی ها با جاده های پرپیچ و خم حادثه سازش، بیاد داشته و آن را می شناسند، نه به دلایل خاص صنعتی بودن و توریستی بودنش!.

مناطق مریوان و اورامان، به خصوص با وجود دریاچه زریبار، با آن طبیعت زیبایش، سالهای متاخر فرستی است که این منطقه را به یک قطب توریستی و گردشگری تبدیل نماید، اما متأسفانه در سالهای اخیر با مداخلات انسانی و عمده و دور از ارج نهادن به موازین و کتوانسیونهای جهانی در ارتباط با منابع طبیعی و تالابهای جهانی، به تدریج و در برابر چشمان همگی، به سوی مرگ حرکت خودرا آغاز نموده است.

عدم وجود نظم و انطباط در محوطه زریبار به دلیل وجود دستفروشها، موتورسیکلتها و... در پیاده روها و مکانهای استرحت و پلازهای تعییه شده برای گردشگران که آسایش همه را به آسانی سلب نموده، تجربه یکبار گردشگری! درین شهرها برای همیشه فراموش خواهد کرد.

برپایی نمایشگاههای حاشیه ای که اگر به مقررات شهرنشینی توجه گردد، خود می تواند اثرات مثبتی را در کوتاه مدت و دراز مدت، به جای بگذارد. اما متأسفانه با وضعیتی که در پایان نمایشگاه و در لحظه جمع آوری آن مشهود بوده، شاهد بی نظمی، وجود زباله ها و اشغال و اثاثیه های مستعملی بودیم که به نظری رسید بسیاری از این زباله های تجزیه ناپذیر، پسمانده از نمایشگاه، که قطع به یقین به علت عدم جمع آوری فوری آن و دفن در محل های تعیین شده وارد آب تالاب شده و خوارک اجباری آبزیان شده است، گویای عدم کنترل و عدم مدیریت آن توسط برگزار کنندگان و سودجویانی بوده است که به نحوی در آن سهیم بوده اند.

## "ووتو ویژیک له گەل گۆلی زریباردا"

ئیبیر/اهیم مه ردۇخى

گۆلی رازدهوهی زیپری زریبار

سەیرانگەی وەرزى ھاوین و بەھار!

ئاوینە ئەوین قەلای بىسەران

خالى سەر كولمی بۇكى مەريوان!

جيىي مەلهى مەل و مۇر و مەندالان!

لەنگەرگەی گەمەی ناسك خە يالان!

جريوهى چۈلە كە و قەرى مراويت

شىلپەي سۆنە و قاز، بالنەدى ئاویت

شىنە شەمال و سروھى بەربەيان

ھاڙەي قاميش و شەمىشلى شوان

چۈپەي ماسىيگەر، راۋچى و مەلهوان

تەقەي ساچىمە زەن، دەنگى پلەزىقان

لەشانۇي شادى شارى زریبار

بۇوبۇونە تىپى مۆسىقاي دىلدار

بەبى تو، ناوى مەريوان نەدەبرا

تەپلى بەھەشتىت لەعالەم لى درا

دەيان ووت: "زریبار له گەل بەھارى

بەھەشتى جوانى ناو كوردهوارى"

بۇ ئىستە مات و كېپ و بى دەنگى

بى دەماخ و پەست زەرد و بى رەنگى؟!

ديمەنى جوانى جارانت نەما

نوقمى لە گىڭچاوشەپولى خەما...

وەلامى زریبار:

ھاوارىي خۆشەویست وەك من برىندار

پىنکراو بە تىرى ڇەھراوى رۆزگار!

ھەزارو يەك دەرد سەرى لى داوم

بىعازم هيىشتا بهم شىۋەش ماوم

خەمخۇرى نىيە تىمارم بكا

بەئاھ و نالە و دەردم گوی بدا

ناوم بى ناواوك پوچەل و بوشە



وهک دەھۆل دەنگم لەدۇرۇرۇ خۆشە  
برىانگم ھەموو رزى و وەریوھ  
وهک كالەك سينەي سنۇم تەپیوھ  
لە دەرونەوه زوخاوه سك بۇوم  
ھېننە خوم ھەلچىنی ھاكا تىاچۇوم  
لافاوى دەور و بەر و شاخە كان  
قوراپى خەست و خۆللى باخە كان  
بە لرفە لرف و بە هوژم و پەلە  
بەرە و گەروى من كەوتۈونە مەلە  
ھاكا تاسام و لە دەستان دەرچۇوم  
لە بىر بچەمەوه وەك ھەرگىز نەبۇوم  
بەرپرسانى ئەم ناوجە و دەقەرە  
کە تاجى زىپر و زىوييان لە سەرە  
لە ئاستى مندا رەزىل و چەركەن  
بۇ چارە زامىم گەندەل و پووکن  
گوئى نادەن بەئەم گۆلە رازاوه  
سەيرانگەي خەلکىي جوان و پەئاوه  
ئەم ژىنگە و ژوانگە و روانگەي شادىيە  
ئەم خەلاتە گەورە ئى خودا دادىيە  
بى نرخە لايان رىيىزى لى ناگەن  
مەگەر جەماوەر پىيى لەسەر داگەن  
كەواتە هاناو گازە و ھاوارم  
بۇ چەماوەرە كەبىنە يارم  
پى داگەن لە سەر ھەق و مافى من  
بەرۆك بەرپرس و مىرىم بۇ بگەن  
لە ئەنجومەنی ژىنگە پارىزدا  
لە گەل خەمخۇر و مەرۆي بەرپىزدا  
شىلگىر بن لە سەر چارە دەررۇونم  
تىمارى بکەن زامى زەبونم  
بى دەنگى، زولم و سەتم دروس دەك  
دەنگتان ھەلپەن، سەتم با دەيبا  
ئىيەش خۆتان و ووزە و خېرەتنان  
لەبىرتان نەچى {زریبار} ئى خۆتان/.

## ژینگه پاریزی له گوندەکانی ناوچه‌ی مهربیان " (۲۰)

### "ناساندنی ژیان و ژینگه‌ی گوندی بالک"

تەرزەیەکەیەوە لە لایەن دیپهیاری ئەم گوندە نۆزەن بالک گوندیکى ئائين پەروھ بۇوه و ھەيە و، ئىستا  
لە حوجرهى فەقىييان، ۳۵ فەقى لە بەردەست مەلا  
کراوهەتەوە و، کانى سەررووش كە بە چاوانەي قەدىمى  
بەناو بانگە لە لایەن ئىدارەي جەھادەوە كەول گوزاري  
ئەمین شەمسايى سىياناو، دەرسى ئائينى دەخوېنن. لە رابردوشدا بە تاييەت، بە ھۆى كەسايەتىيەكى ناودار  
كراوهە.

وەك مامۆستا مەلا باقرى مۇدەپەسىيەوە، كە لە بەنھەرەتدا  
بۇواردا، بۇ بالک بەرچاوه. بۇ نومونە ئاوى خواردەنەوەي لە  
خەلکى نزاى لاي سەنەيە و سەرەتە لە ئاوابى چۆر و  
كۆگاى رىخەلەن و تەپە رىۋاسانەوە، دەرەزىنە خەزىتىكى  
دوابى لە بالک نىشتەجى بۇوه و ماوهى ۳۰ سال لەم  
گوندە وانەي توھەتەوە، بەردەوام خزمەت ئائينى كراوهە.  
زۆرتە لە ۳۰۰ فەقى لە بەردەستىدا ئىچازەي مەلا يەتى  
بۇھەمە مەلەن بۇھەمە مەلەن بۇھەمە مەلا يەتى  
دەھىنەيەوە:

**بە فەسى حەدىس، حەزرەتى موختار**

**تىر ناخوا، چوار شت، ھەرگىز لە چوار؛**

**مېچكە كان لە تىر، چاو لە روانىن**

**زەوي لە باران، زانا لە زانىن.**

بىرىك خزمەت گوزاري دىكە وەك؛ ساز كەنلى سەرىسى  
بىداشتى بۇ مۇزگەوتى ئاوابى لە سالى ۱۳۸۴، دروست  
كەنلى بىنايى دىپهیارى لە سالى ۱۳۸۸، داتانى ماشىنى كۆ  
كەنلى دەپەنەزىنە ئاوابى و دوور كەنلى دەپەنەزىنە  
مەيدانى وەرزشى بۇ يارى فۇوتىبى لە ئاوابى، كە لە لایەن  
ئىدارەي تەرىپتە بەدەننېيەوە تۆمار كراوهە، سامان دان بە  
بىنما سازى بە پېنى ئىچازە و ياسا، ..... لە بالک بەرپىوه  
چووه.

ھەر وەھا بە خۆشىيەوە، پاک و خاۋىنى بەنھەمالە و ئاوابى  
دەپارىزىن و بە باشى لە دارستانەكانى بالک پارىزىگارى  
دەكەن. ھەر چەند ھۆگرى لە راو كەنلى ھەر ماوه و  
سووتانى دارستانىش روی داوه، بەلام بە گىشتى خەرىيەكە  
شارستانىتە پەرە دەستىتىت و خەلک لە ئاكارە دەپەنەزىنە  
دوور دەكەنەوە. لە كۆتايى دا داواكارى و كەم و  
كۈپۈرەكانى ئاوابى بالک، بە جۆرە خوارەوە دەر  
دەپەنەزىن و ھېۋادارىن بەرپىسان بە زووبى گۈئى بەدەنە  
پېنىستە. تەواو كەنلى پەرەزە ئاكاز كېشى. چاڭ سازى  
مەيدانى وەرزشى و داتانى شوېنى فەرەننې، ئەمانە لانى  
كەمى ئەو پېداويسىتىانە يە كە ھېۋادارىن بەم زووانە بەگەنە  
ئاكام.

**"عەبدوللا يۈووسى، دىپهیارى گوندی بالک"**



بە پېنى سەرچاوه مېزۈوو يەكان، "بالک"، تىوي تاييفە يەكى  
كوردى، لە تاييفە كانى بلىباى سەر بە ھۆزى رۆزەكى  
(شەرفنامە، ل ۴۷۳)، كە سەرەتا لە ناوچەي بالكى  
رەواندز نىشتەجى بۇونە. دەوارنىشىنە كانى تاييفە  
بالك، كە زۆرتە لە ۱۲۰۰ بەنھەمالە بۇون(عەزاوى، ل  
۱۳۹)، پېش سۇور دافان و پارچە پارچە بۇونى  
كوردستان، لە كوبىستانە كانى ئىرەندا، قىلاق و  
لەيلاخىان دەكەد. نزىك ۱۰۰ سال پېش ئىستا، گوندى  
بالك، لە لایەن بەشىك لە ئەندامانى ئەو تاييفە،  
ئاوهەدان كراوهەتەوە. تاييفە بالك، بە درېزايى  
مېزۈوو، جەنگاوهە و نىشتمان پەرەوە بۇونە(تارىخ  
افسار، ۲۹۵) و بە گەز داگىر كەرانى كوردستاندا  
چۈونەتەوە. لە حەلقەي ئەم جارەي ناساندى  
گوندە كان، بۇ ناسىنى ژينگە و ژينگە پارىزى، لە ئاوابى  
"بالك" دەرەزىنە خزمەت بەرپىز كاڭ عەبدوللا يۈسۈف،  
دىپهیارى ئەو گوندە. "چيا"  
ئاوابى بالك، لە ۱۲ كىلومېترى باش سورى خۇرەلەتى  
(جنوب شرق) شارى مەربىان دايە. ۵۳۳ كەس  
دانىشتوسى ھەيە و ۱۳۴ بەنھەمالەيە. ۹۰ بەنھەمالە ئەم  
گوندە ئىستە لە شارۆچكى كانى دىناردا نىشتەجىن و،  
زۆرتە لە ۲۵ بەنھەمالە بالكى، لە مەربىاندا دەزىن. لە  
يەك كىلومېترى لاي ژۇورۇ ئەم گوندە، وەك زۆرپەي  
گوندە كانى دىكە، دى كۆنلى بالك بەدە دەكەت.  
ئاسەوارى مېزۈوو يە بالك، كە بە ھۆى دايەرەي "ميراث  
فرەنگى" يە و پارىزراوه، لە سىن تە پۇلەكە ئاي  
خواروو ئاوابى، بە ئىوي "سى گەرددە چەخماخ ئاوى" ،  
خې بۇوهتەوە. ئەم سى گەرددە بۇ ھەر جۇرە هەل كەندن و  
درەخت چاندىنەكى، قەدەغىيە. بالك گوندیكى دارستانىيە  
و درەخت گەلى وەك؛ بەرپار، مازوار، گۆيىز، كىنە،  
قەسوان و پەلک؛ كېۋە كانى خاتۇو ئاسىيە، گەردد رووت،  
بەرخە چەرمۇو، چالەپان و كېۋ و تەپۇلەكە كانى دىكەيان  
داپوشىوە. كانى خواروو و كانى سەرروو، بە ئاوه زۆر سارد  
و زولالە كەيەوە، لە كۆن زەمانەوە، بەردەوام ئاوهەدانىان  
خستووهتە بالك. بە تاييەت كە كانى خواروو، بە ئاوه

## ”مختر ناصري“

# نگاهی اجمالی به معضلات شهرنشینی و مسائل آن

از طرفی چون کانون تمرکز و استقرار دستاوردهای جدید علمی که جهت رفاه حال بشر ساخته شده شهر می باشد، بنابراین شهرنشینان جهت دستیابی به درصد بیشتری از رفاه وارد عرصه‌ی رقابتی سرمایه داری شده و با آنکه ذات انسان پاک و بی‌الایش می باشد اما سیاستهای ضد بشر دوستانه‌ی سرمایه داری که ارزشها و هویت جوامع به خصوص خاورمیانه را سست و ضعیف و نیز آنها را مجبور به قبول مظاهر مدرنیته‌ی خود کرده و شهرنشان برای عقب نماندن ازین سیکل تجاری و سرمایه‌ای مجبور به انجام اعمالی خلاف اصول انسانی و اومانیستی می شوند. اکنون با توجه به موارد مختصراً که گفته شد تصور کنید که چنانچه ما در سطح شهرمان اصول اولیه و قوانین لازم جهت درست زیستن با همدیگر در شهر را رعایت نکنیم و موارد بدیهی همچون رانندگی صحیح در سطح شهر، تمیز نگهداشتن سطح محلات و خیابانهای شهر، پرهیز از ایجاد آلودگی‌های بی مورد صوتی و... را زیر پا بگذاریم زندگی در چنین محیطی چقدر هراسناک خواهد بود. با پیچیده شدن و گره خوردن مسائل شهرنشینی و عناصر شهری با دنیای صنعت و زندگی ماشینی بحث سلامت در شهرنشینی معطوف به موارد متعددی از جمله سلامتی روان شهرنشینان، سلامتی محیط زیست طبیعی، سلامتی ارتباطات، آسایش خانواده‌ها و... می شود لذا یک شهر سالم و انسانی باید با رعایت عدالت اجتماعی، جهت گیری فرهنگی، ارتباطات مناسب، تامین امکانات آموزشی و پهادشتی، تلاش در جهت حفظ میراثهای فرهنگی، تاریخی و طبیعی خط مشی روشی را جهت دستیابی به یک جامعه‌ی دموکراتیک و قانون مدار که در آن حقوق انسانها محترم شمرده شده و نیز زمینه‌ی مساعدی برای حضور زنان که امروزه با تلاش‌هاشان قدرت مدیریت خود را ثابت و همچنین پشتوانه‌ی محکم برای توسعه قلمداد می شوند را فراهم نماید. بنابراین امروزه با مینا قرار گرفتن معیارهای دموکراتیک در راس هر نظام و مکتبی شهروندان باید با دیدی جامع و پویا به سیاست نظامهای حکومتی و پدیده‌های چون جهانی شدن که رابطه‌ی مستقیمی با شهرنشینی دارد بیکرند.

پیامدهای شهرنشینی پیراذیم تا خواننده دریچه‌ای در ذهن خود جهت آمادگی مبتنی بر یافشی آگاهانه برای رویارویی با واقعیات شهرهای عصر مدرنیته‌ای تازه پا گرفته باز کرده و جهت ایجاد یک شهر سالم و انسانی که در آن هر کس به سهم و تلاش خود پارامترها و هنجرهای شهرگرایی را رعایت کرده و در خلق و ساخت شهر سالم همت نماید.<sup>(۱)</sup> فقر و عدم تساوی: با آنکه فقر تنها اختصاص به شهرها ندارد، ولی این عامل از مسائل مشخصه‌ی بسیاری از شهرها خاصه شهرهای امروزی است علی‌رغم آنکه موقفيتهای اقتصادی شاغلین و کارگران در شهرها بسیار است و هر چند که سطح رندگی در شهرها بالاتر از روستاهاست با این همه در شهرها و بلachsen جهان سوم خانوارهای بیشماری با مشکل تامین می‌یست روبرو هستند و نیز مواردی چون نبود آموزش و نا آگاهی، اعتیاد، انتخابهای کور کورانه و بیماریهای عصبی ناشی از فقر و شکاف طبقاتی می‌باشد.<sup>(۲)</sup> از هم گسیختگی اساس و قوام خانواده: نسبت طلاق در شهرها نسبت به روستاهای بسیار چشمگیر تر است تا جایی که بر اساس آمارها در سال گذشته در کشور به ازای هر هشت ساعت ۱۱۴ مورد طلاق گزارش شده است.<sup>(۳)</sup> آنودگی صدا و فشارهای عصبی: وجود صدای ناشی از عبور و مرور اتومبیل ها، خاصه در مراکز داد و ستد و نیز فعالیتهای شهری یک سلسه بیماریهای عصبی و روانی را در شهرها موجب شده است که مستقیماً بر حس شوایی، بالا رفتن فشار خون و بیماریها می‌مانند آن تأثیر می‌گذارد آنودگی صدای شهرها ضمن بر هم زدن آرامش عصبی مردم در شهرها منجر به بالا رفتن درصد عصبانیت و بدخوبیها می‌شود.<sup>(۴)</sup> مشکلات اجتماعی: به طور کلی شهر جایی است که در آن بسیاری از مظاهر زندگی آدمی که در گذشته اساسی استوار داشت اکنون دستخوش تزلزل گشته است تقابل فرهنگ مدرنیسم با محافظه‌گرایی سنتی در شکل آسیب‌های اجتماعی خود را نمایان می‌سازد و راههای بیراهه را به روی شهروندان می‌گشاید و لذا کوتاهی عمر انسان شهرنشین نسبت به روستا نشین این گفته را تایید می‌نماید. اکنون که تکنولوژی با سرعتی زیاد از کشورهای شمال که در عصر فرا مدرن به سر می‌برند در حال انتقال به جهان توسعه نیافته می‌باشد و

آنچه در دوران گذشته بشریت به عنوان اندوخته‌ی اجتماعی و فرهنگی در قالب رفتار و روابط پیچیده‌ی سنتی حاصل نموده، سنتگ بنای تمامی ارزشها نهان در آن جامعه را تشکیل می‌داد و یقیناً برای حفظ و توسعه آن چاره‌ای اندیشیده بود، این امر در قالب یک جریان در تمام دورانهای بعدی زندگی بشر همیشه جاری و ساری می‌باشد. بی‌شك توسعه‌ی شهرنشینی در گرو توسعه‌ی صنعت و صنعتی شدن شهرهای شهرهای از قرن هجدهم به بعد شکل گرفته است این روند قدر مسلم از ابعاد مختلف کالبدی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و به خصوص فرهنگی تحت تأثیر مستقیم صنعتی شدن شکل متفاوتی نسبت به گذشته پیدا کرده است. بنابراین به دلیل آنکه شهرها به سیستم های اقتصادی اجتماعی یکسان وابسته نیستند تعریف جامع و ثابتی از آن ساخت است و نیز یکی از چالشایی است که برنامه ریزان شهری با آن مواجه هستند. از آن چه گفته شد می‌توان چنین نتیجه‌گرفت که شهرنشینی فرایندی است که در آن تغییراتی در سازمان اجتماعی سکونت‌گاههای انسانی به دلیل افزایش، تمرکز و تراکم جمعیت به وجود می‌آید. از نظر سازمانی در شهرنشینی دگرگونیهای در ساخت اجتماعی اقتصادی و کارکردهای جمعیتی ظاهر می‌شود که این روند تغییراتی در ساخت فضای داخلی شهرها به وجود می‌آورد بنابراین شهرنشینی فرایندی است که در آن تغییرات اجتماعی، تجدد طلبی و تمرکز جمعیت صورت می‌گیرد. اما به طور خلاصه شهرنشینی دارای دو ویژگی اصلی است<sup>(۱)</sup> مهاجرت مردم از حوزه‌های روستایی به شهری برای اشتغال در شغلهای غیر کشاورزی<sup>(۲)</sup> دگرگونی در سبک زندگی زندگی مردم از سبک زندگی روستایی به شهری که به همراه تغییر در ارزشها و تکرشهای حاصل می‌شود و رفتارهای تازه ای را به وجود آورده. همگام با توسعه‌ی شهرنشینی و تحولات اجتماعی و اقتصادی در شهرها چه از نظر اجتماعی و چه اقتصادی، در زمینه‌ی زندگی در شهرها فارسایهایی به چشم می‌خورد که در بسیاری از موارد به صورت مسائلی حاد جلوه گر شده است. در قالب همین نارسایهای اجتماعی و اقتصادی، محیط زیست نیز در اثر جریانات زندگی شهری و احتیاجات دنیای صنعت و ماسنیسیسم، در معرض خطر قرار گرفته است. لذا هدفمان در این مقاله‌ی کوتاه این است که به ذکر چند مورد از

“فیل و تله که‌ی ماسی خوره؛ له قرآنگ و

ماسیه کانی گوماوه‌که”



بهم جوّره زیقاوه که هه موو روّزیک چهند ماسیه‌کی  
ئه خسته سه‌ر پشتی خوی و دهی برد له شوینیکی چول  
و بی دهنگ دهیخواردن. ماسیه‌کانی دیکه‌ی ناو  
گوماوه که پیمان وا بwoo، ئهوان ده گوّزرننهوه بو گوماوه‌کی  
دیکه و بو ئه م کاره به پله بwoo. زیقاوه که‌ش بهم  
کاره‌ی ئه ماسیانه گالت و پیکه‌نینی ئه‌هات. چهند  
روّزیک بهم جوّره را برد. قرآنگه که‌ش بپیاری دا بپروات  
بو شوینی نوی. زیقاوه که، قرآنگی له سه‌ر پشت سوار  
کرد، کاتیک له شوینی مه‌بست نزیک بونهوه،  
قرآنگه که چاوی به پیشه و پلانی ماسیه چاره  
رده‌شے کان که‌وت. تیکه‌یشت که ئیستا نوبه‌ی ئه‌وه،  
زوری نه‌ماوه نه‌ویش تووشی ئه و چاره نووسه بیت. به  
پله که‌وت بیری رزگار کردنی خوی. به خیرایی قورگی  
زیقاوه که‌ی گرت و لاشه‌ی ئه فریوکاره‌ی له  
ئاسمانه‌وه بهر داوه، ناردی بو جه‌حانم. قرآنگ دواى  
ئه م به سه‌رهاته گه‌راوه بو لای ماسیه‌کانی نیو  
گوماوه که. هه‌والی تیاچونی هاپریکانی و له ناو بردنی  
زیقاوه که‌ی بی راگیداند. هه‌موویان کوتایی  
رودداوه که‌یان کرده جه‌ژن و شایی و مدرگی  
زیقاوه که‌یان، به ژیانی دووباره خویان زانی./

سه‌رچاوه: کلیله و دهمنه  
و هر گیپان بو کوردى: ئه مین عه‌زیزی

ده گیپنهوه؛ زیقاوه (ماسی خوره) یک له پهناي گوماوه‌کی  
پر له ماسیدا، ده‌زیا. هر کات برسی ببایه‌ت له ماسی  
ئه و گوماوه، سکی خوی لئی تیز ئه‌کرد. سال و زهمان  
تیپه‌پری و پیری به‌روگی به زیقاوه که گرت و توئانی  
ماسی گرتني نه‌ما. که‌وته ته‌کبیر و وت و ویره له گه‌ل  
خوی؛ ئه‌گه‌ر ئه‌زمون و فیل و تله‌که‌یه ک به کار  
نه‌هیتی، له برسا ده‌مریت. له م بیر و وت و ویره‌دا بwoo،  
قرآنگیکی ئه و گوماوه گه‌یشته بنهای و هوی خه‌مکی  
و دل نگرانی، لئی پرسی. زیقاوه، که‌وته درو و دله‌سه و  
وتی: ئه‌ی چون په‌زاره دام نه‌گرت؛ هه موو روّزیک  
یه ک دوو ماسیم لەم گوماوه ده‌گرت و خدمی برسیه‌تیم  
نه‌بwoo. ئه‌وا ئه‌مرو دوو کابراتی راچی ماسیم بینی،  
پیکه‌وه قسه و باسیان ئه‌کرد و یه‌کیان ئه‌یگوت: ئه‌م  
گومه، ماسی زوره، وا باشه دواى گرتني ماسیه‌کانی  
فلانه گوم، ماسیه‌کانی ئه‌م گومه‌ش بگرین. ئه‌گه‌ر  
ماسیه‌کانی ئه‌م گومه بگرن، ئه‌وا من له برسا ئه‌م‌رم.  
قرآنگه که، بپوای به قسه‌کانی زیقاوه که کرد و روپشت  
بو لای ماسیه‌کان و ئه قسه و باسه‌ی بو گیپنهوه،  
قرآنگ و ماسیه‌کان، زیقاوه که‌یان بانگ هیشت کرده  
لای خویان و دواى یارمه‌تی و هاویبریان لئی کرد و  
بییان وت: ئه‌گه‌ر چی تو دوژمن ئیمه‌ی، به‌لام مادام  
قازانجی توش که‌وتوه ته مه‌ترسیه‌وه، ئیمه ئاماذهین  
گوئ بده‌ینه را و ته‌کبیری تو. زیقاوه گوتی: که‌س  
ناتوانیت له بدرانبه‌ر ئه و راچیانه‌دا خوی راگرت.  
به‌لام من لەم نزیکانه‌دا گوماوه‌کی گه‌وره و زولالی  
دیکه شک ئه‌بهم. ئه‌گه‌ر بتوانن بپونه ئوی، ئه‌وا له  
ئاسایش و بخته‌هوری دا ئه‌بن. ماسیه‌کان و تیان؛  
ته‌کبیریکی باشه، به‌لام لەم جی به چیهیدا یارمه‌تی  
توهان پیویسته. زیقاوه که وتی: من دریخ ناکەم به‌لام،  
ئه‌م کاره بیویستی به کاتی زور هه به و راوجیه کان بهم  
زووانه ده‌گنه ئیره. ئه‌بی کات له دهست نه‌دهن.  
ماسیه‌کان که‌وتنه پارانهوه و شفا و لاله، که زووتر جی  
به جییان بکات.

## “زریبار”

له په‌ر شاری مه‌ریوان  
دوو چین کیوی سه‌وز و جوان  
راوه‌ستاون به‌رانبه‌ر  
به‌رز و دارستان له سه‌ر  
له داوه‌ین ئه و کیوانا  
له ژیر تاقی ئاسمانا  
گومیکی جوان و هستاوه  
که “زریبار” ی ناوه  
کیوان سه‌وز و دل نشین  
ئاسمان و ئاو هه‌ر دوو شین  
زریبار و به‌هاری  
به‌هه‌شتی کورده‌واری.

حسه‌ین شریف په‌ناهی



## هو چه می گفت راست بود و حقیقت

باز هم شب و دل تنگی، دل و دل نوشته، سکوت و آرامش، تفکر و اندیشیدن در دل شب چه زیباست. امشب بعد از مدت ها بی وفا بی و کم مهری من، باز هم به سراغ و دیدار دوستی رفتم که حتی از نسبی و عطر نفس هایش معلوم بود که او بی مهری و بی وفا بی ما اصلاً در ذهن نمی پرورداند و ما دعوت به خلوت خویش می نماید. آری دوست عزیزم، یکی از شاهکارهای خلقت اهوراییست. دریاچه، دریاچه زربیار، امشب بعد از سپری شدن یک روز بارانی، شب هنگام بعد از اینکه آسمان صاف رنگ سیاه و بی مانندش را با رنگ ستاره هایش به یکی از نقاشی های زیبای خداوند تبدیل نمود و ماه هم با نور و زیبایی خود تاریکی شب را به شبی مهتابی تبدیل کرده بود، حس عجیب و غریبی ما به دیدار دوست و یار پاک و بی آلایشم فراخواند. آری دریاچه با عطر و شیمی بهاری خود ما را دعوت کرد، انگار هر دو به هم احتیاج داشتیم، انگار هر دو درد دلهایمان را برای امروز نهان کرده بودیم، انگار امروز لبریز از درد بودیم و احتیاج به تخلیه داشتیم، که هر دو در یک زمان به یاد هم افتادیم و از خالق خویش همدیگر را هر چند اندک ولی از ته دل تمنا کردیم. شاید کاری از دستش بر نمی آمد ولی باز هم بر درد و زخمها یم مرهم گذاشت، نمک نپاشید، دریاچه طعنه نزد، سرگوفت نزد، غرّ نکرد، به دنبال نفاط ضف نمود، نمی خواست خُرد بگیرد، نمی خواست ما را کوچک شمارد و حقیر بداند. گفت و گفت و شنیدم و شنیدم و تفکر عمیق فرو رفتم، هر چه می گفت راست بود و حقیقت، و سخت تحزن برانگیز، از همه عواملی که به نوعی مانع آزادیش شده بودند و حق زندگی آزادانه را از او گرفته بودند گلایه می کرد، از مواردی شکایت داشت که به حق، حق با او بود، با کمی اندیشیدن، تعقل و تفکری باز و روشن همه هر چند اندک و قلیل می توانیم به زندگی زیباش کمک کنیم چون این آب و این دریاچه سالها قبل بوده و انساء الله سالها هم خواهد ماند من نیز به او قول دادم که در دل شب و سکوت بی پایانش صدای زجه و درد کشیدنش را حالا به هر وسیله ای به گوش آنان که می توانند و خاموش نشستند برسانم. پس با کمک به دریاچه در نهایت به خود برای رسیدن به ذات مطلق خداوند گامی برداریم تا رستگار شویم.

با تقدیم احترامات خاص

به قلم سیاوش

## “گپی دهربا”

کی بیستوویه گپی دهربا،  
بسکی هه تاو بسووتینی؟  
بی بروووسکه، ههور بگرمینی؟  
زهوى شهق با،  
گول خهنده ران هه ل پرووسقی؟!  
بهم چاونهم دهربا م بینی،  
بسکی خوری هه ل پرووزاند؛  
ههورم بینی، بی بروووسکه دا ئهباری؛  
مانگم بینی، کز ئه سووتا؛  
گولم بینی، له بههاردا هه ل پرووسقا!!  
ئەلەف . ههنده ران”

- با توجه به تماس تلفنی با آقای شهردار و قول مساعد ایشان، مبنی بر ترمیم کند ھ کاری آسفالت، توسط اداره آب، در کوچه رزیک، واقع در بلوار معلم (جنب نانوایی شاطر اشرف)، متاسفانه هنوز اقدامی صورت نگرفته است. (علی لطفی).

- با توجه به شروع آتش سوزی جنگلهای چندین منطقه، از اداره منابع طبیعی و ارگان های ذیربظی می خواهیم که برای این معضل چاره ای اساسی بیندیشند.

(جمعی از دوستداران طبیعت).

- ضمن عرض تبریک به اعضا هیئت مدیره جدید انجمن سبز چیا که خالصانه برای خدمت به مردم فعالیت می کنند، می خواهیم همانند سابق که باعث دلگرمی هر چه بیشتر ما در کارهای زیست محیطی بودند، همچنان یاریگر باشید.

(کمیته اطفای حریق روستای ده ره تغی).

- جای تاسف است، عزیزانی که از روستاهای (به ری به گزاده) می گذرند، نایلون و چیزهای دیگری که خیلی دیر تجزیه می شوند، برای طبیعت سوغات می آورند. (از روستای نی)

## قابل توجه همشهریان، ادارات، نهادها، سازمان ها،

- مدارس و دانشجویان عزیز؛**
- شرکت خدماتی نسترن کار، آماده ارائه خدمات ذیل با کیفیت و قیمت مناسب در سریعترین زمان می باشد.**
- تکثیر به قیمت چاپ با دستگاه های ریسوگراف و پیشرفته**
- تکثیر بارنگ های آبی و قرمز**
- تکثیر با تیراز بالا و کیفیت مناسب.**

آدرس: مریوان - خیابان اداره برق - روبروی اداره برق - دفتر شرکت خدماتی نسترن کار

موبایل: ۰۹۱۸۸۷۵۷۴۲۸

شماره تلفن: ۳۲۱۰۰